

از زخم خشونت تا احیای اعتماد



قادر باستانی تبریزی

پژوهشگر علوم ارتباطات

چندی پیش، قتل یک روحانی میانسال در محله باغ فیض تهران، خبرساز شد. سپس حمله خونین به روحانی دیگری در امامزاده جییی در جنوب پایتخت، برصفحه اخبار نشست. این حوادث فقط دو نقطه از یک منحنی نگران کننده‌اند که به آرامی روحانیت را از جایگاه تاریخی و نمادین خود به موقعیتی آسیب‌پذیر رانده است. چرا جامعه‌ای که زمانی روحانیت در آن نمداد عدالت، مشروعبیت، احترام و اعتماد بود، امروز با پدیده آسیب، تمسخر و حتی خشونت فیزیکی مواجه است؟ این دگرگونی از کجا آغاز شد و چگونه می‌توان زنجیره زوال اعتماد و اطمینان را از نو پیوند زد؟ سال هاست که فشار اجتماعی بر قشر روحانی افزایش یافته و این فشار از سوی جامعه‌ای است که روزگاری روحانیت را پناه و صدای خود می‌دانست، اما امروز او را مسبب ناملایمات تلقی می‌کند. بسیاری از روحانیون شریف و مستقل که با مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، گاه از حضور در جامعه با لباس روحانیت پرهیز دارند. دوستی دارم روحانی، اهل قم، که وقتی به تهران می‌آید، غالباً هنگام رفت و آمد در شهر لباس شخصی می‌پوشد. خشونت فیزیکی و زخم‌هایی که امروز بر پیکر روحانیت قابل رؤیت شده، یک فرایند تاریخی را نشان می‌دهد که لایذ محصول ترکیب ورود به قدرت، فاصله‌گیری از روزمرگی مردم و تغییر ساختارهای رسانه‌ای است. بازسازی این سرمایه نیازمند بازگشت بنیادین به نقش‌های اجتماعی و اخلاقی اصیل خود است.

البته ماجرا را نباید سطحی دید. خشونت علیه روحانی، صرفاً رفتار هیچانی افراد نیست؛ بازتاب شکافی است که میان ارزش‌های دینی و زیست واقعی مردم پدید آمده است، اما همان گونه که این شکاف به‌تدریج شکل گرفت، می‌تواند به‌تدریج نیز ترمیم شود؛ اگر گفت‌وگو و همراهی میان مردم و روحانیت دوباره جریان یابد.

در صدر انقلاب، روحانیت نماد ساده‌زیستی، عدالت‌خواهی و مشروعبیت دینی بود. آنان زبان مردم در برابر قدرت بودند، اما هنگامی که بخشی از روحانیت به مناصب سیاسی و مدیریتی وارد شد، تصویر عمومی به تدریج تغییر کرد. روحانی از نماینده دین به نماینده قدرت تبدیل شد. از آن پس، مردم آگاهانه یا ناخودآگاه، درست یا نادرست، هر ناکارآمدی در عرصه سیاست و مدیریت را به پای قشر روحانیت نوشتند. پژوهشگری می‌گفت، در یکی از پیمایش‌های چند سال پیش، وقتی از مردم پرسیده شد، «قدرت سیاسی در ایران بیش از همه در دست کدام گروه است؟»، اکثریت پاسخ دادند: «روحانیت». این در حالی است که در دهه ۸۰ چنین برداشتی کمتر بود. این تحول آماری، نماد یک تحول ذهنی هم هست که هم‌زمان با کاهش سرمایه اجتماعی نظام سیاسی، سرمایه اجتماعی روحانیت نیز آسیب دیدد است. امروز دیگر مرز روشنی میان «روحانیت حکومتی» و «روحانیت مردمی» در ذهن جامعه وجود ندارد. نسل جدیدی که زیست رسانه‌ای‌اش در فضای مجازی شکل گرفته، کمتر

با روحانیت از نزدیک ارتباط دارد و همین فاصله، زمینه سوءتفاهم و بی‌اعتمادی را گسترش داده است. در شبکه‌های اجتماعی، گاه شوخی و طعنه جای گفت‌وگوی واقعی را گرفته و نقدهای احساسی جای نقدهای منصفانه را پر کرده است. در این میان، رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نیز با استفاده از ضعف عمیق صداوسیما در جذب و اقناع مخاطب، توانسته‌اند از این خلأ ارتباطی بهره‌برداری کنند و تصویری تحریف‌شده و گاه کاریکاتوری از روحانیت ارائه دهند. البته همه ماجرا را نمی‌توان به دشمن یا رسانه‌ها نسبت داد. ریشه اصلی بحران در فاصله‌ای است که میان روحانیت و مردم شکل گرفته: فاصله‌ای که نه با توصیه نخبان پُر می‌شود و نه با تبلیغات رسمی. این فاصله تنها با بازگشت به نقش اصیل روحانیت قابل ترمیم است. نقشی که از آغاز، صدای مردم و سخنگوی رنج‌ها و امیدهای آنان بوده است. هرگاه روحانیت دوباره در کنار مردم بایستد و دردشان را با صدای بلند بیان کند، آن پیوند دیرینه اعتماد و احترام نیز از نو جان خواهد گرفت. مردم اگر احساس کنند روحانیت درشان را می‌فهمد و در کنارشان می‌ایستد، دوباره به او اعتماد خواهند کرد، اما اگر تصور کنند او تنها از موضع و جانب قدرت سخن می‌گوید و ناکارآمدی‌ها را توجیه می‌کند، حتی سخنان دینی‌اش نیز پژواکی در دل جامعه نخواهد داشت. با این حال، جامعه ایران هنوز در زرفای خود برای روحانیت حرمت قائل است و بقای این حرمت، بیش از هر زمان دیگری به صداقت، شجاعت و همدلی واقعی گره خورده است.

روحانیت اگر می‌خواهد از چرخه خشونت و فرسایش اجتماعی رها شود، باید دوباره در آینه مردم خود را ببیند، نه در قاب قدرت. مردم، هرگاه نشانه‌هایی از این بازگشت صادقانه ببینند، در برابر هرگونه خشونت علیه روحانیت حساس تر خواهند شد. مردم و روحانیت دو سوی یک تاریخ‌اند و ریشه در یک خاک و جان در یک باور دارند. اگر یکی از دیگری فاصله بگیرد، هر دو ضعیف می‌شوند. با این همه، جامعه ایران هنوز ظرفیت آشتی دارد. هنوز می‌توان میان این دو، پیوندی زنده و صمیمی زد. جامعه ایران در وضعیت پیچیده‌ای از دگرگونی‌های فرهنگی، نسلی و رسانه‌ای به‌سر می‌برد. نسل جدید، دین را از کاتال تجربه زیسته و اخلاقی روزمره می‌فهمد، نه از زبان خطابه و تربیون. اگر روحانیت نتواند در این جهان تازه، زبان تازه‌ای برای گفت‌وگو با مردم بیابد، فاصله‌ی میان آن‌ها بیشتر خواهد شد. اما اگر به جای سخن گفتن برای مردم، بار دیگر با مردم سخن بگوید، آشتی ممکن است.

خشونت‌ی که این روزها رخ می‌نماید، نشانه دشمنی با دین نیست، نشانه بحران ارتباط است؛ بحرانی که تنها با شجاعت دیدن خود در آینه جامعه درمان می‌شود. بازگشت به مردم، بازگشت به حقیقت دین است؛ به همان روح نخستین عدالت‌خواهی، صداقت، و زیست بی‌ادعا که روزگاری سرچشمه نفوذ روحانیت بود.

اگر روحانیت بتواند بار دیگر درد را بشنود، نقد را تاب بیاورد و به جای فاصله، همدلی بیافریند، آن‌گاه از دل زخم خشونت، جوانه‌ی اعتماد دوباره خواهد روئید، هنوز می‌توان از ویرانی تصویر، پلی به سوی آشتی ساخت؛ پلی که از دل مردم می‌گذرد.



تکس: Bloomberg

دونالد ترامپ و شی جین پینگ امروز در کره جنوبی مذاکره می‌کنند

قرار ابر قدرت‌ها

او همچنین وعده داد در ادامه سفر آسیایی اش، در دیدار با «شی جین‌پینگ» رئیس‌جمهور چین، توافقی بزرگ درباره تجارت میان دو کشور را امضا کند. با این حال، موضوع کره شمالی از دستور کار این سفر کنار رفت. گمانه‌زنی‌ها درباره دیدار احتمالی ترامپ با «کیم‌جونگ‌اون» منتفی شد و او گفت «به‌دلیل محدودیت زمانی» چنین دیداری ممکن نیست. مسئول از این سفر برای حل بن‌بست تجاری خود با واشنگتن بهره برد. هرچند در ماه اوت توافقی اولیه میان دو کشور امضا شده بود، اما کره جنوبی هشدار داده بود که پرداخت نقدی چنین مبلغی می‌تواند اقتصادش را دچار بی‌ثباتی کند. در حال حاضر خودروهای کره‌ای با تعرفه ۲۵ درصدی وارد بازار آمریکا می‌شوند، درحالی‌که رقبای ژاپنی و اروپایی فقط ۱۵ درصد تعرفه می‌پردازند. آمریکا و کره جنوبی به دنبال توافق تجاری ۳۵۰ میلیارد دلاری هستند که وزیر خزانهداری آمریکا چندروز قبل گفت طی این سفر نهایی نمی‌شود.

▼ یک درگیری کوچک اتمی

رئیس‌جمهور آمریکا شامگاه سه‌شنبه و در آخرین ساعت‌های سفر خود، در جمع فعالان اقتصادی ژاپنی حاضر شد و سخنرانی کرد. او گفت: «ژاپن همواره در طی مسیر در کنار ما بوده است. جالب این است که ما یک درگیری کوچک با ژاپن هم داشتیم که احتمالاً شنیده‌اید. پس از چنین چیز هولناکی دو کشور نزدیک‌ترین دوستان و شرکای ممکن برای یکدیگر هستند.» او همچنین از ژنرال داگلاس مک‌آرتور تمجید کرد که عهده‌دار نظارت بر اشغال ژاپن توسط آمریکا در ۱۹۴۵ بود. ترامپ با اشاره به توافق صلح میان دو کشور گفت: لحظه‌ای که توافق صلح امضا شد، این مرد اقدام به شکل دادن روابط دوستانه‌ای میان کشورهای ما کرد که رشد یافته و عمق پیدا کرده و او در واقع قانون اساسی اینجا را نوشت و این کار را کاملاً به‌تنهایی انجام داد.

▼ خبر ترامپ و خوشحالی نخست‌وزیر

ترامپ در جریان سفر خود به پایگاه دریایی یوکوسوکا در جنوب توکیو نیز رفت

گروه خبر: رئیس‌جمهور آمریکا صبح دیروز پس از پایان برنامه‌های خود در ژاپن، این کشور را به مقصد کره جنوبی ترک کرد. او در توکیو ضمن دیدار با ناروهیتو، امپراتور ژاپن و سنانی تاکاچی، نخست‌وزیر این کشور، در جمع نظامیان آمریکایی مستقر در ژاپن نیز حاضر شد. رئیس‌جمهور آمریکا در برنامه‌های روز سه‌شنبه خود، جنجال کم نداشت. از به هم زدن تشریفات سیاسی ژاپنی‌ها در جریان دیدار با نخست‌وزیر تا اعطای لقب «کوچک» به درگیری میان دو کشور در جنگ جهانی دوم و بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی توسط آمریکا. ترامپ که صبح روز چهارشنبه وارد فرودگاه گیومه در بوسان شد، قرار است امروز در حاشیه اجلاس سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک (APEC) با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین نیز ملاقات کند؛ ملاقاتی که رسانه‌های جهان از زمان مطرح شدن احتمال برگزاری آن، توجه خاصی به آن نشان می‌دهند و منتظر رخ دادن آن هستند چرا که نخستین دیدار ترامپ و شی پس از ۶ سال و در دوران جنگ تجاری چین و آمریکا است. ترامپ دیروز در این باره گفت: «توافقی که در پیش است، هم برای آمریکا و هم برای چین سودمند خواهد بود و به‌باور من، برای همه اتفاقی بسیار هیجان‌انگیز است. این دستاوردی عالی است و بهتر از جنگ و درگیری و مشکلاتی است که تاکنون وجود داشته است. دلیلی برای ادامه اختلافات وجود ندارد. فردا با شی دیدار خواهیم کرد. افراد زیادی به این دیدار علاقه‌مندند و می‌توانم بگویم که جهان در حال نمایش است.» او ابراز امیدواری کرد که این گفت‌وگو به یک توافق فوق‌العاده میان واشنگتن و پکن منجر شود.

▼ استقبال با تاج طلایی

ترامپ در کره جنوبی هم خبرساز بود. او تاجی طلایی از رئیس‌جمهور این کشور، لی جانه میونگ دریافت کرد؛ هدیه‌ای که درست دو هفته پس از اعتراضات بدون پادشاه در آمریکا، نگاه رسانه‌های جهان را به خود جلب کرد. ترامپ که به علاقه‌اش به اشیای طلایی شهرت دارد، در ضیافت شام مشترک گفت: «به توافق رسیدیم، تقریباً نهایی شده. توافقی عالی برای هر دو کشور.»

سخنگوی دولت در پاسخ به حملات مخالفان:

خروج از لیست سیاه FATF زمان بر است

صورت جدی متقاضی این هستند که برای توسعه کارهایشان نیاز دارند تعرفه‌ها متناسب‌سازی بشود؛ حدود ۶۵ درصد هزینه‌های کاربران ارتباطی کشور، هزینه‌های ارزی است که در سال‌های گذشته افزایش قابل توجهی داشته و طبیعتاً هزینه‌های اپراتورها و توسعه ارتباطات در کشور به‌صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرده است.» او افزود: «اگر مردم از زیرساخت‌های ارتباطی و خط ثابت استفاده می‌کنند و مابه‌ازای تغییر خط ثابت به زیرساخت فیبرنوری هزینه جدیدی به آنها تحمیل شده، از نظر قانونی قابل پیگیری است.»

▼ حذف بودجه برخی دستگاه‌ها

سیدحمیدپور محمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به اینکه بودجه سال آینده در دستور کار هیئت دولت قرار داشت، گفت: «بخش عمده جلسه هیئت وزیران به بودجه سال آینده معطوف بود و سازمان برنامه و بودجه مفروضات خود را در جلسه ارائه و اعلام کرد که درآمد‌ها، هزینه‌ها، کسری‌های بودجه، مازاد و... چقدر است. وضعیت بودجه امسال را برای هیئت وزیران تشریح کردیم. اگر بخواهیم بودجه سال آینده را بدون کسری طبیعتاً باید درآمد‌ها را افزایش و هزینه‌ها را با جدیت کاهش دهیم، به همین دلیل قرار شد دو گروه تشکیل شود، یک گروه برخی از وزرا همراه با سازمان برنامه دنبال افزایش درآمد باشند و وزرای مابقی به دنبال کاهش هزینه‌ها. در این بین فرآیندها هم باید اصلاح شود.» او با اشاره به اینکه هفته آینده نیز موضوع بودجه در دستور کار هیئت وزیران خواهد بود، افزود: «فعلاً هیچ تصمیمی برای بنزین، یارانه و مالیات گرفته نشد، فقط مفروضات و مبنائی مطرح شد. دیدگاه سازمان برنامه و بودجه و مقدم بر آن شخص آقای رئیس‌جمهور این است که هیچ چیزی مهم‌تر از معیشت مردم نیست و پس از آن تولید و اشتغال در اولویت قرار دارد. بنابراین می‌شود بسیاری از دستگاه‌ها نباشند و کشور آسیب نبیند، می‌شود این

می‌تواند و نه باید به‌سوی یکی از قطب‌های جهانی برود و در تقابل با قطب دیگر قرار گیرد. قدرت ما در استقلال ما است. به‌علاوه، موضع‌گیری این قدرت‌ها در برابر ایران ثابت و لایتغیر نیست. همه کشورها بحق دنبال منافع خود هستند و قرار نیست که کشورهای دیگر منافع خود را برای ما فدا کنند؛ همچنان که ما نیز باید حفظ منافع ملی را در اولویت قرار دهیم و در عین حال و در کنار این بدیهیات، باید اصل را بر حداکثر همکاری و مراوده و دوستی با جهان به‌ویژه با همسایگان قرار دهیم و این سیاست نه‌تنها ناقض سیاست مقابله با اقدامات غیردوستانه دیگران نیست، بلکه لازمه آن است. بنابراین، باید از بیگانه‌هراسی یا طرفداری نسبت به هر کشوری جداً پرهیز کرد و اجازه‌داد که چنین فرهنگی رواج یابد.

تردید اغراق است. او به اعضای ستاد تنظیم بازار که مهم‌ترین آنها همان اعضای کابینه هستند توصیه می‌کند: «همه تصمیم‌گیری‌ها از تولید، توزیع تا مصرف باید در چارچوب راهبردهای دولت از جمله پایداری نسبی در اقتصاد باشد.» این عبارت بسیار کلی هیچ دستورالعمل مشخصی را ارائه نمی‌دهد. مگر ستاد تنظیم بازار یک حزب با اختیارات بی‌انتها است که بخواهد داستان تولید کالاها در هزاران کارخانه در سراسر کشور را کنترل کند و صدها هزار فروشگاه را رصد کند و تازه این ستاد از کجایفهمد منظور از پایداری نسبی در اقتصاد چیست؟ رئیس‌جمهور پزشکیان می‌تواند و باید در تقسیم کار اعضای کابینه تجدیدنظر کند و نیز می‌توان به آقای عارف یادآور شد کارها به این آسانی نیست.

ادامه سر مقاله

همچنین در برخی مواقع، مقامات بالای قوانین وارد بحث و اظهارنظر می‌شوند، ولی چون کمتر با اصول و ضوابط گفتاری دیپلماتیک آشنا هستند؛ به‌جای حل مشکل و ریختن آب روی آتش قدری بنزین به آن اضافه می‌کنند. اتحاد و انسجام یک ملت رانه در وحدت سیاست داخلی بلکه در رویکرد مشترک خارجی می‌باید آزمون و تجربه کرد. در مسائل داخلی اختلاف زیاد است؛ ولی مانع از وحدت نیست. درحالی‌که در مسائل خارجی باید وحدت رویکرد باشد. متأسفانه در شرایط اخیر وجود قطب‌بندی در رویکرد خارجی برای کشور زبان‌بار است. باید پذیرفت که هر دو گروه، این فضای دوقطبی را تشدید می‌کنند. در نتیجه، فضای داخلی را هم بیش از پیش دوقطبی و زبان‌بار می‌کنند. واقعیت این است که ایران به دلایل گوناگون نه

ادامه از صفحه اول